



ایران خودگواه تلاش وسیعی هنرمندی است که در دریای عمیق و موج هنر به آرامشی مثال زدنی رسیده است. گرچه توفیق در خوش نویسی را مدیون همراهی‌ها و هم‌گامی همسر هنرمندش می‌داند که از نیمه راه زندگی با او بوده است و اعتراف می‌کند که خدا را به خاطر این نعمت بزرگش شاکر و قدر دان است.

سید خوانی که چاپ ۲۲ آلبوم از احادیث امام رضا (ع) توسط آستان قدس رضوی و ۶۲ آلبوم احادیث امام رضا (ع) از سوی شهرداری تهران، بخشی از کارنامه انتشاراتی‌اش است، مدرک فوق‌ممتاز خوش نویسی دارد و رخصت آموزش از اساتیدی چون احمد ناصحی، انوشیروان فروغی، هادی ذوالریاستین، احمد قائم مقامی، استاد علی اکبر رضوانی گرفته و این روزها مشغول تعلیم خط و اخلاق به هنر جوانان است.

متولد ۱۳۶۰ است، متواضع و فروتن. همان آرامشی را که در لایه لای گفته‌هایش از تأثیرات هنر بر زندگی هنرمندی اشاره دارد را به وضوح می‌توان در کلام و حرکاتش دید.

معصومه فرمانی کیا - خطوط در هر یخته‌ای که در عین در هر یخته‌گی منظم هستند، مثل سرگذشت خیلی از هنرمندان دیگر زندگی او را بر هر یخته واز حالت معمول بیرون کشیده‌اند. اگر چه مجبورست به تلاطم همزیستی بین آدم‌ها تن بدهد اما روزمرگی‌هایش را در سلوکی منحصر به فرد می‌گذراند و این خاص دنیای هر هنرمندی است. در جغرافیای روایی ما و در زبان گفتار، این دنیا را نمی‌شود تعریف کرد اما به قدر توصیف لایه‌های درونی می‌شود به آن گریزی زد. غیرممکن است حرف هنر باشد و پای دل سپردگی و عشق به میان نیاید؛ کلامی که بین غالب هنرمندان مشترک است.

هادی سید خوانی در میان خطاطان جوان دهه شصتی با همین زبان است که شهره شده است. کسب عناوین متعدد در رقابت‌ها و جشنواره‌های هنری از جمله مقام دوم جشنواره خوش نویسی کشوری، رتبه سوم مسابقات کشوری سیره نبوی و علوی، نفر برگزیده نخستین دوسالانه بین المللی خوش نویسی ایران، رتبه اول جشنواره هنر جوان کشوری، رتبه اول جشنواره طلعه ظهور کشوری، نفر برگزیده دومین دوسالانه بین المللی خوش نویسی

همراه قلم زدن‌های هادی سید خوانی، خطاطی که خوش نویسی را دنیای عرفان می‌داند

گرشمه‌های آسمانی

شاید باور بعضی‌ها بر این باشد که در این زمینه باید مستعد بود و حق هم با آن‌هاست اما نمی‌شود گفت کسی که استعداد نداشته باشد نمی‌تواند این کار را انجام دهد. مادر این زمینه اساتید به نامی داشته‌ایم که تنها با لطف پشتکار و تمرین زیاد به مدارج بالا رسیده‌اند.

خوش نویسی، ریاضت‌ها و شیرینی‌هایش
استاد دوباره برمی‌گردد از حال خوبی که از بودن در دنیای خط و خوش نویسی پیدای کند می‌گوید: بارها شده برای انتخاب یک بیت شعر یا حدیث و آیه، نیمی از کتاب حافظ را خوانده‌ام و قرآن را تورو کرده‌ام. این به معنی وسواس من نیست، بلکه به خاطر انتخاب بیت یا آیه‌ای بوده است که اول از همه بتواند روی من خطاط تأثیر بگذارد و بتواند من را بگیرد. هر وقت لای کتاب حافظ را باز کرده‌ام و هرگاه به دنبال آیه‌ای در قرآن برای خوش نویسی بوده‌ام، حس کرده‌ام خدا همین نزدیکی مراقب من است. شبیه مادری که هر لحظه کودکش را می‌پاید تا مبادا اتفاقی در کمینش باشد. هنرمند در ممارست و تمرین و ریاضت‌های طولانی به جایی می‌رسد که همراه با الهامات درون ناخودآگاه اثری خلق می‌کند دور از باور.

اوسپس توضیح می‌دهد: خوش نویسی اصول دوازده گانه دارد. ده مورد ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی و اصول تئوری و اکتسابی است و دو مورد آخر صفا و شان به این معنی است که بدون اینکه نام و نشانی از خوش نویسی باشد بشود تشخیص داد این خط مربوط به کدام هنرمند است.

تمرین خط برای تزکیه روح
سید خوانی برای هنر خوش نویسی به خاطر ارتباطی که با ادبیات و عرفان و فلسفه دارد امتیازی ویژه قائل است. می‌گوید: ضرب المثلی بین خوشنویس هاست که اگر می‌خواهی ریاضت بکشی خوش نویس شو. خلوت‌ها و ممارست‌هایی که انجام می‌دهی قوی‌ترین اذکارست. خیلی از عرفا برای تزکیه نفس به شاگردانشان تمرین خط می‌دادند، به این خاطر که گوشه نشینی و عزلت رابطه خدایی او را پر رنگ‌تر می‌کند. به خاطر همین است خواهی و نخواهی در رفتار بزرگان هنر خوش نویسی آرامشی هویدا است که دیگران را متوجه آن می‌کند. وقتی کنار اساتیدی بزرگ می‌نشینی در محدوده و تحت تأثیر انرژی او قرار می‌گیری و من شرکت در جلسه‌های خوش نویسی را بیشتر به خاطر این حال خوب دوست دارم. نه اینکه فکر کنید در این جلسه‌ها به صورت مستقیم حرفی از دین و معنویت باشد اما وجود آدم اهل هنر ناخودآگاه این نیرو و انرژی و حس را منتقل می‌کند.

خوش نویسی مظلوم مانده است
سید خوانی در ادامه از مظلومیت هنر خوش نویسی می‌گوید: خوش نویس به خاطر همان عزلت و گوشه نشینی و سیر و سلوک‌هایی که دارد وقتی برای تبلیغ هنر خود ندارد. علاوه بر این خوش نویسی شبیه موسیقی، هنر زبانی نیست بلکه هنر بصری و خاص است که می‌شود گفت مظلوم واقع شده است. خوش نویس دوست دارد این حال خوب را دیگران هم تجربه کنند و می‌خواهد دیگران هم پایه این دنیا بگذارند.

حلاوتی است که مادر زندگی بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای حس می‌کنیم و همین آرامش عمیق است که آدم را درگیر و مبتلا می‌کند. شاید نگاه پرسش برانگیز ماست که استاد را و می‌دارد تا این گونه ادامه دهد: بین خوش نویسان اصطلاحی است که می‌گویند خوش نویسی اعتیاد دارد. واژه اعتیاد را به خاطر این به کار می‌برم که وقتی به درون این وادی پا گذاشتی روز به روز بیشتر غرق آن می‌شوی و بیرون آمدن از آن برایت سخت است و من خوشحالم که گرفتار این وابستگی شده‌ام و برای چند ساعت در روز از تعلقات دنیایی رها می‌شوم. البته این جدایی به این معنی نیست که تعهداتم نسبت به همسر، اجتماع، خانواده و دنیای پیرامون کم‌رنگ شود.

انقلابی در دوران خدمت
دوباره به مسیر اصلی گفت‌وگو می‌کشانی. می‌گویم که این کار را دنبال کرده است. می‌گوید: قبل از خدمت سربازی، مغازه تابلوسازی داشتم و قصدم این بود که بعد از این دوران روال عادی زندگی را پیش بگیرم اما اواخر دوران خدمت حال عجیبی داشتم و اشتیاق بیشتری برای نوشتن و تمرین کردن. این بود که بعد از سربازی کار تابلوسازی را کنار گذاشتم و فقط تمرین خط می‌کردم. خدمت که تمام شد کارم شده بود دوات و نی و کاغذ. البته بعدها حکاکی روی سنگ و نگین که مشابه همین بود به آن اضافه شد. خوش نویسی را به خاطر دلم انجام می‌دهم و حکاکی روی سنگ را به خاطر درآمدش.

چرا خوش نویسی؟
بدیهی‌ترین پرسش را همان ابتدای گفت‌وگو مطرح می‌کنیم تا سید خوانی گریزی کوتاه به زندگی گذشته‌اش بزند. در بین خانواده هنرمند به دنیا آمدم و بزرگ شدم. دایی‌ام خوش نویس بود و مادرم با اینکه بهره‌ای از هنر نداشت دوست داشت مشق خط کنم. تشویق و همراهی‌های مادر پای من را از همان دوران ابتدایی به جلسه‌های خوش نویسی باز کرد. جلسه‌هایی که به اتفاق دایی‌ام می‌رفتم جریان‌های زیبایی را به دنبال داشت و روح را هر روز بیشتر درگیر و مانوس این هنر می‌کرد. هر قدر بیشتر زمان می‌گذشت و در این وادی پیش می‌رفتم به خط و خوش نویسی علاقه‌مندتر می‌شدم.

همین موضوع باعث شد که از هر کاری جز این بگذرم. رفته رفته غرق این دنیا شدم. خلسه و آرامشی که وقت کشیدن نی روی کاغذ پیش می‌آمد و عادت به این تمرین گاه گذر زمان را از خاطر می‌برد. در این بین اتفاق افتاده بود غرق این دنیا شده‌ام که صدای اذان صبح متوجهم کرده چقدر زمان گذشته است. به اینجا که می‌رسد مکث می‌کند و با طمأنیه‌ای بیشتر ادامه می‌دهد: درکی فراتر از حس‌های زمینی باید باشد تا این جور حرف‌ها را فهمید و متوجه شد. این را می‌فهمید؟ و بی‌آنکه منتظر پاسخی بماند می‌گوید: در این آشفته‌بازار دنیای امروز و دغدغه‌های ریز و درشت دنیایی که خیلی‌ها در آن به دنبال آرامش می‌گردند و هزینه‌های زیادی را هم به خاطرش حاضرند پرداخت کنند اما به آن نمی‌رسند، این همان

هرگاه به دنبال آیه‌ای در قرآن برای خوش نویسی بوده‌ام، حس کرده‌ام خدا همین نزدیکی مراقب من است